

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: احمد پوپل  
۲۸ فیروزی ۲۰۲۱

## ابن دیلاق - ۱۴

### انقلاب در عالم

ناگه ز کنسار آسمان ها شد همه ای عجیب بر پا  
برخاست ز هر طرف هیاهو میکال چه شد فلان ملک کو؟  
این گفت ببند، و آن دگر گیر این یک که بکش طناب از زیر  
شُل کن که بس است تا همین جا جبریل بکش تو رو به بالا  
دادار در انتهای دالان در حالت امر و نهی امکان  
یک راز ز رازهای مستور با صد عجله نمودش از دور  
فرمود برو نایست اینجا مختل شده کار نظم دنیا  
آنی دگر ار بجا بمانی بر هم خورد اصل زندگانی  
از آن که ستاره ای به گردون رفته ز مدار خویش بیرون  
یک موی دگر اگر شود دُر باید بدمند نفخ در صور  
اصلاح مدار این ستاره صد سال درست کار داره  
پیغمبر ما ز دور افلاک در عین لقای دوست غمناک  
بوسید ز جان زمین دالان آمد ز سرا برون ثنا خوان  
جبریل و بُراق هر دو آن جا بودند به خدمتش مهیا  
زان راه که رفته بود برگشت این مرتبه بی سیاحت و گشت  
یک لحظه تمام این سفر بود کان نقل مجالس بشر بود  
در بخش نخست هر کتابی مخصوص بدین فسانه بایی  
هر جا سر منبر و مناره بهرش دو هزار جامه پاره  
من صورت و هم از آن زُودم گوی از همه سنبلان ربودم  
امید که شعر ابن دیلاق منظور نظر شود در آفاق